

## پیکار خلق

ارگان گروه

انقلابیون مارکسیست - لنینیست  
نیمه اول اردیبهشت ۵۸ - شماره ۱۴

## فرخنده باد

### اول ماه مه

از روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ روزی که کارگران رزمند، شیکاگو برای کسب حقوق پایمال شده خود منجمد هشت ساعت کار در روز، خیابانها را با صحنه پرشکوه مبارزه رویاروی خود با حاکمیت سرمایه بدل نمودن و شهسادی بیستاری را از خود برجای نهادند، ۹۳ سال می گذرد. سه سال بعد اولین کفرانس بین الملل دوم این روز را روز اعلام همبستگی همه رنجبران روی زمین، روز مبارزه کارگران بر علیه حکومت های زرد و زور اعلام داشت. در عرض این ۹۳ سال همانگونه که یکی از رهبران کارگران شیکاگو در ادگام اعلام داشت که "صدای کارگر خفه نمی شود" مبارزه کارگران با همه فرازونشیبها، شکست و پیروزیها، هرگز خاموش نگردیدند. کسارگران میهن عزیز ما ایران نیز از این قاعده مستثنی نبودند. آنان همواره این روز فرخنده را گرامی داشته و حتی در سختترین شرایط و مخفان با برترین زمان یعنی دوران حکومت خاندان تنگین و ضد کارگری پهلوی و ویرانی که هرگونه صدای آزاد یخواهی و هرگونه اعتراض به شرایط ناانگار زندگی با گلوله، زندان و شکنجه پاسخ گفته میشد نیز از بزرگداشت این روز و اعلام همبستگی خود چشم نهوشیدند.

امسال روز اول ماه مه در میهن ما اما در شرایط دیگری برگزار میگردد. در شرائطی که خلقهای کبیر میهن ما در پیشاپیش آنان کارگران دلیر پیش از یکسال ونسیم مبارزه بی وقفه خونین و قهرآمیز بر علیه رژیم فاشیستی پهلوی بقیه رصفحه ۲

## ضد انقلاب

### و ادرهم کویم

در سنگبری فرزندان آیت اله طالقانی موج اعتراض وسیعی را بین اقشار و طبقات مردم برانداخت. این اعتراض های تودهای که سراسر کشور را زیر پریش خود گرفت، نشان دهنده تعالی عمیق مردم مایه حفظ و پاسداری دست آورهای مبارز و متفربی شایسته ما از زبخی دارو دسته های مشکوک و بیاعمال ساواک است که تحت نام "پاسداران انقلاب" به حریم آزادی تجاوز می کنند. در اینجا مبارزی را شکجه می دهند، در آنجا قصد قطع کردن دست یکفر را دارند، بنام

"کمیته مام" شلاق میزنند، تحت عنوان "پاسداران انقلاب" از برگزاری اجتهات جلویگیری میکنند و بالاخره مردم کردستان و گنبد را زیر باران گلوله می گیرند. مردم کشور ما هفتاد هزار شهید دادند که دیگر گزیده های ساواکی نتوانند آزادانه به جان و مال مردم تجاوز کنند و امروزه هنوز فقط چند هفته از سرنگونی نظام منحوس پهلوی میگذرد، باغول کزیه امتیاد و خفطان دیگری رو بر پشت ما ند که همانقدر نفرت انگیز است که نظام محمد رضا شاهی بود. آیا این مفهوم دموکراسی در جمهوری ری اسلامی است که مخالفین نظر کمیته ها "شکجه داده شوند؟ آیا این مفهوم دموکراسی در جمهوری اسلامی است که تلویزیون بدستور بقیه رصفحه ۳

## سندیکی انقلابی کارگری برپا کنیم

مسئله اتحادیه کارگران و اهمیت کوی در زندگی طبقه کارگر در اد مسائل مهمی است که هم اکنون جنبش کارگری ایران با آن روبرو می باشد. در دوره محمد رضا شاه خائن، دستگاههای دولتی موقت می کوشیدند با برپا نمودن سندیکا های زرد گماردن عوامل خود در راس آنها، توجه کارگران را از ایجاد سندیکا و اتحادیه های واقعی خود منحرف نمود و آنها را بگری ست خود سازماندهی کنند. اما هشجاری و روشن بینی کارگران میهن ما این توطئه پهلوی را ناگام میگذاشت و طبقه کارگر ایران سندیکاهای رژی راهمواره بیگانه از خود میدانست. آن دوره بیرکت مبارزه مردم در ریننا پیش آنها طبقه کارگر ایران به پایان خود رسید. و اینک زمان آنست که کارگران با دستهای توانمندی خود اتحادیه های واقعی خود را سازماندهی کنند؟ آنها را در جهت تحقق اهداف خویش بکارگیرند. بدین خاطر نیز هست که یکی از خواسته ها و شعارهای مطرح شده توسط کارگران وطن ما ایجاد اتحادیه های کارگری میباشد. این خواست بسیار عمیق و انقلابی است و مورد

پشتیبانی هر فرد و مکررات و یا کمونیست قرار خواهد گرفت. ما قیل از اینکه نظر خود را بپیرامون چند و چون تشکیل اتحادیه های کارگری بیان داریم لازم میدانیم که در حله اول شکل و مضمون فعالیت و اهداف اتحادیه کارگری را تعریف کنیم. اتحادیه کارگری یکی از انواع سازمانهای طبقه کارگر است زیرا طبقه کارگری را پیشبرد اهداف خود احتیاج به سازماندهی گوناگونی دارد. واضح است که هر کاری احتیاج به ابزار کار متناسب با خود را دارد. مبارزه اتحادیه ای نیز محتاج اتحادیه است. بنابراین برای اینکه بخواهیم بدانیم اتحادیه چیست در حله اول لازم است بدانیم که برای تحقق چه مبارزهای به اتحادیه احتیاج است. زیرا نوع و خصلت و مضمون هر مبارزه ای به سازماندهی خاص خود نیاز دارد. مبارزه اتحادیه ای مبارزه عمدتاً اقتصادی کارگران است. یعنی مبارزهای است که جهت تحقق اهداف اقتصادی طبقه کارگر صورت می پذیرد. خواسته های اقتصادی طبقه کارگر که اند؟ خواسته هایی از قبیل ارتقاء سطح دستمزدها، بقیه رصفحه ۳

فرخنده... پشت سر او ایستاد.  
یکسال ونیمی که زحمتکاران میهن ما حتی  
یک روز یکساعت ویک لحظه از بیگنا باز  
نایستاد مویخاطر حاکمیت خویش یعنی  
حاکمیت رنجبران حما سه ها آفریدند، خون  
دادند و هزاران هزار شهید برجای گذاشتند.  
یکسال ونیمی که خلق در رزم قهرمانان  
نانه خود موفق گردید بر خاندان فرعون  
پهلوی مهربان کوبید و او را بمنزله داند  
تاریخ بفرستد. و این خود پیروزی بس  
عظیمی بود. پیروزی که خلقهای ایران  
برایش قیمتی بس گزاف پرداختند.

با آید رنجبران میهن ما روز اول ماه مه  
امسال که مزدوران رژیم را در یگر علنا در مقابل  
بل خود گذاشتند. اگر چه های عاملش را  
برگرد و خود حس می کنند و خراب کنند  
توانست این روز جهانی را بر ا حسی و  
در محیطی آزاد و خارج از هرگونه تحمیل  
و فشار برگزار نمایند؟ آیا آنان خواهند  
توانست علنا و در محیطی د مکرانیک بسا  
برادران طبقاتی خود در سالی بر نقاط جهان  
اعلام همیستکی نمایند؟ اتفاقات نا سفت  
آور روزهای گذشته ما رخ روشن منعی با این  
پرسش میدهد. سرکوب خونین و در منشا  
نه خلقهای قهرمان کرد و ترکن توسط  
بخشهایی از ارتش با عطلای ملی و اسلامی،  
عدم رسیدگی به خواسته های برحق کارگران  
و حتی مطالبات آنان ( وقایع آبادان، شیراز  
و اصفهان و... ) سانسور شدید حاکم  
برادر بیونولویزیون و فشاری حد و حصر بسر  
روزنامه ها و بر ما فتادان در سجات مشکوک  
و بی هویتی که حتی برسم فالانژهای لبنانی  
علنا از مبارزه مسلحانه بر علیه مخالفین  
مسلکی خود صحبت می دارند، سرکوب  
هر انتقاد سازند موره نمون در هند های تحت  
نعمان عنوان شناخته شد و آشنای گذشته  
چون " خرابکاران " و " ضد انقلابیون " و  
عمال بیگانه، و منحرف ساختن بیگان مبارزه  
ضد امپریالیستی بطرف بخشهایی از عتوف  
خلق و خصوصا کمونیستها، براه انداختن  
تبلیقات وسیع و زهر آگین ضد خونین  
کمروستی میتوان بقیه در صفحه ۳

سند بیگنا... داشتن بیمه سربزه  
مرخصی کافی و تشکیل صندوق تعاون،  
ویکسری خواسته های مشخص دیگر از  
این قبیل. در این خواسته ها عموم  
کارگران، علیرغم وجود جهان بینی های  
مختلف و داشتن عقاید گوناگون سیاسی  
یا که اگر مشترکند. حتی کارگرانی که به  
سازمان سیاسی رعیت چندانی نشان نمی  
دهند. نیز در این خواسته ها با بقیه  
اشتراک دارند. بنابراین اولین مسئله  
ای که در اینجا چشم میخورد و توده ای  
بودن خصلت خواسته ها و نتیجتاً توده ای  
بودن خصلت اتحاد یه ها است. در  
اتحاد یه کارگری، هر کارگری که خواهد  
برای تحقق خواسته های مزبور مبارزه کند  
می تواند شرکت نماید. مسئله دیگر ا را  
بودن خصلت صنفی اتحاد یه ها است. این  
بدان معنی است که کارگران یک رشته  
تولید و یک صنف با یکدیگر تشکیل اتحاد یه  
را داد و مبرای انجام تقاضاهای مورد نظر  
صنف خود دست به مبارزه اتحاد یه ای بزنند  
از این روست که اتحاد یه های مختلفی  
مانند اتحاد یه کاه و چاپچی ها،  
خیابان و غیره... میتواند تشکیل گردد  
که هر یک برای دریافت حقوق مربوط به  
صنف خود مبارزه می نمایند.

اما در کشورهای که از زیوغ استبداد خبری  
نیست معمولاً اتحاد یه های کارگری شکل  
علنی دارند. یعنی سازمانهایی هستند  
توده های و علنی که کارشان مبارزه در راه  
خواسته های ذکر شده در بالا می باشد.  
در دوره محمد رضا شاه طبیعتاً و از آنجا  
یکه هر خواسته بحق یا موج قوی سرکوب  
فاشیستی روبرو میشد علی الاصول اتحاد  
یهای واقعی کارگران میبایستی مخفی  
میبودند و از دسترس پلیس و ساواک دور  
ار می گرفتند. هم اکنون این دوره تسا  
حدود زیادی پایان رسیده است. آیا  
این بدان معنی است که بنابراین هر  
گونه منظر هجوم به کارگران مبارزان  
رفتار است؟ خیر! آیا موجود بودن خطر  
تهاجم به کارگران و سرکوب آنها از طرف

ضد انقلاب بدان معنی است که بنابراین  
هیچ تفاوتی در شکل اتحاد یه ها با دوران  
محمد رضا شاه نیست وجود داشته  
باشد؟ باز هم خیر. اساس قضیه آنستکه  
یا توجه به در هم شکست شدن استبداد  
شاهی و با توجه به ارتقاء سطح آگاهی  
سیاسی و بالاخره با توجه به سنگرهای  
کسب شده از طرف توده ها از یکسو میبایست  
شکل علنی با اتحاد یه های کارگری داد و  
از سوی دیگر میبایستی امکاناتی را مورد  
بررسی قرار داد که در صورت تهاجم ضد  
انقلاب فعالین کارگری هر چه کمتر در  
معرض دستبرد و یگر قرار گیرند. بنا بر  
این اتحاد یه های کارگری با توجه به  
آنچه که گفته شد، میبایستی خصلت توده ای  
داشته باشند، صنفی باشند و بشکل علنی  
مبارزه نمایند. در همین جا به دو مسئله  
لازم است که اشارت کنیم: یک آنکه تنها  
وجود اتحاد یه های کارگری برای صنف  
های مختلف کارگران مورد نظر میبایست  
باشد. میبایستی کوشش نمود که پس از  
وجود آوردن اتحاد یه های مختلف در  
رشته های تولیدی و صنفی جدا از هم  
آنها را متحد نمود و اتحاد یه مرکزی را  
از مجموعه اتحاد یه های جدا از هم تشکیل  
داد. در چنین صورتی است که مبارزه یک  
اتحاد یه از قبیه اتحاد یه ها جدا افتاده  
و از پیشینیان آنها برخوردار خواهد شد.  
نتیجتاً باید فقط به تشکیل اتحاد یه ای  
جدا از هم اکتفا نمود، بلکه میبایستی بیای  
تشکیل اتحاد یه سراسری کارگران نیز رفت  
مسئله دوم آنست که برخی بیان میدارند  
که اتحاد یه های کارگران فقط به مسائل  
اقتصادی بکارگری توجه داشته اند هر  
گونه مسائل سیاسی بد و راست. این امر  
از یک طرف غیر عملی است و از طرف دیگر  
مؤرورانهاست. غیر عملی است زیرا که کارگران  
از زندگی سیاسی جامعه دور نیستند.  
بخاطر بیابوریم در دوره محمد رضا شاه  
برای خواست یک ریال مزد بیشتر پلیس  
سیاسی رژیم یعنی ساوا و انوار عمل میزد و  
رفتارها را به

فرخنده... دستهای ناپاک و آلوده مرتجعین و عمال وابسته امپریالیسم را در آن دید و بلاخره در همان نمونه دیگر همه و همه مسائلی اند که پیروزیهای بدست آمد براتند بد نمود مونگرانی همه نیروهای د مکررات و ضد امپریالیستی جامعه را برانگیختند.

آری در نتیجه چنین شرایطی می باید روز اول ماه مسامال را از یکطرف و با خطر بر خیز پیروزیهای بدست آمد هجشن گرفت و از طرف دیگر آماجی و خواست خود را مبنی برگسترش و تکامل این پیروزیها و تحقق خواستهای طبقه کارگر اعلام نمود.

روز اول ماه مسامال خواست کارگران مبنی بر دست گرفتن قدرت سیاسی است. امریکتا مسافران در مین ما با خطر فقدان سازمان رهبری کننده خود یعنی حزب راستین طبقه کارگر موفق به انجامش نکردند. باید بروشنی گفت این عدم موفقیت و اینکه حجتکشان مین مان توانستند خوشه چین مبارزه خود گردند، نه با خطر آن بود که گویا آنان کم از خود گدشتگی و فداکاری نشان دادند و هفتی فعالی نداشتند. خیر، مسافران کارگران در لیومبارز وطن ما با خطر عدم سازمان رهبری کننده یعنی حزب کمونیست، فاد رنگردیدند آنچه ان که باید و شاید مهر

ند انقلاب... عنصری مانند قطب زاده خبرد روغ و جعلی پخش کند؟ آیا این مظهری د مکرسی در جمهوری اسلامی است که برخی در آوردن ستههای اشرا و لومپن و ساواکی در خیابانها برهه بیفتند و سدا ای کمونیست کتبی سرد هندی؟ عجب! در رژیم محمد رضا شاه عزاران ضد امپریالیست د مکررات در پسته های زندان سداغ و درفش کشید همیشه ند، تلویزیون د سگاه د روغ پر از وی جعل حقایق بود، هر جناحی تحت عنوان مبارز با کمونیسم صورت می گرفت، امروز هم همینطور. پس خون شهدایمان چه شد؟

آیت اله طالقانی خود بدستی گفتند که اعتراضات بحاضر ضرب و شتم خرنرا شیل

طبقاتی خود را بر این جنبش عظیم بگویند و نتیجتا خوشه چین مبارزه خود گردند. این کارگران مبارز در پیشاپیش آنان کارگران د لیبر صنعت نفت بودند که در تراجاع پهلوی را خم نمود و او را برانورد آوردند. این خونهای سرخ رنجبران مین ما بود که در کوچیهای باطنای وطن ما جاری گردید و نهال پیروزی بر حکومت د منش پهلوی را آبیاری می نمود.

حقیقت را گفته ایم این ضعف جنبش کمونیستی بود که با خطر پیراکندی وعدم پیوند با طبقه کارگر رهبری جنبش خلق را به پیروزی و سازشکاران سپرد و خود لنگ لنگان و بدون حفظ موضع مستقل در کار و انگراد نیال جنبش گام برداشت. و امروز ما هدیم که پیروزی سازشکار چگونگی به خوشه چینی این جنبش عظیم شود مای برداخت و قدرت سیاسی را بدست آورد، قدرتی که می بایست از آن رنجبران باشند و منافع واقعی آنان را متحقق سازد.

امروز انقلاب ما بار دیگر رهنمراه مستوقف گردید ما است. بجای تحقق خواست کارگران از طرف دولت موقت، آنان بصیر و شکمبائی و تحمل وضع ناهنجار موجود دعوت می شوند و اگر لب با اعتراض بکنایند با برجسب اخلاک مواجهمی گردند. کارگران فریاد می زنند ما را از کارخانه اخراج

نیست بلکه مسئله بر سز آزادی و استقلال کشور است. در واقعیت امر هم همینگونه است. امروز در اولین بهار آزادی آزادی به شدید ترین وجهی تهدید می گردند. در حالیکه صد هاتن مزد و امپریالیسم و ساواک راست راست راه میروند و سدا د کمیته های امام و و سدا اران انقلاب مشغول رفتن و رفتن امور هستند! کارگران پیکار با خطر بیان خواست خود بصورت بیشتر نامرئجه انانای بعنوان "صد انقلابی" نامیده میگردند، د سته جات مسلح فالانر بوجود می آیند که قطعاً روزی بعنوان بازوی مسلح ضد انقلاب بکار گرفته شوند. و جالب اینجاست که دولت

استانموقت بر او ختنی کلانهای خود را بلا حقیقه کار بگوسیل تلویزیون پرده بردارد.

کرد مانند حقوقدان را با نعی د هند، محتاج نان شبیم و یا سخ می شنوند که صبر بیشتر کند و ما فرصت بد هند و را پنجاست که ضربد العثل شکم سوزان شکم گرسنمی خبر است مصداق پیدا میکند.

کارگران در لیومبارز! اگر دولت کمونیستی د دولت رنجبران بود و ولتی بود که سداز میان خود سدا برخاسته بود بخوبی میدانست که گرسنگی صبر نمی شناسد، بیکاری وعدم داشتن یک سرینه وول خوردن چندین خانواد در یک اطاق کوچک بی آب و برق تحمل نمی شناسد. ولی دولت کمونیستی با خطر خصلت طبقاتی خود نمیتواند خواسته های واقعی سدا را درک کند.

کارگران غیور! باید مبارزه ادامه یابد. روز اول ماه مسامال روز اعلام این مبارزه است. باید برای این روز تدارک دید. در کارخانه ها و کارگاهها سته های تدارکاتی بوجود آورد و جمع بندی از خواسته های خود نشست و آنها را در مقابل دولت قرار داد. با پیروزی اول ماه مسامال باشکوه هر چه متاخر تر گزار کرد و سدا یک بهمه نشان داده شود که رنجبران مین ما تا کسب حقوق واقعی خود از پای نخواهد هند نشست. روز اول ماه مسامال فرخنده باد.

اندازد و خیلی که مسئله بخی پیدا کند (مثلاً در مورد آیت اله طالقانی) اظهارنا سخی نیز میناید. ما همانگونه که مکررات بیان داشتیم هیچ مقامی را جز دولت دارای مسئولیت نمی شناسیم و در سته به ستمین خاطر است که علیه رزم اینک میدانی سدا های مرتجعانه و بیشتر مانه از کانال برخی کمیته ها طرح ریزی میگردند، دولت را مسئول فجایع اخیر میدانیم و از دولت سدا میخواستیم که حساب این در آوردن سته های وابسته با امپریالیسم و مزد و راجتاج د اخلی را برسد، مسیبین واقعی جریان د سته گیری فرزندان آیت اله طالقانی را معرفی و مجازات کند و از تزلزل پخش خیر د روغ

سند یکا . . . سیاستهای زندان می - انداخت . بخاطر بیارویم دوره محمد رضا شاه را که خواست داشتن نماینده واقعی زاندارم های ناهنسیها را به کارخانهها کسب میکرد . بنابراین نمی توان ادعا کرد که اتحادیه های کارگری صرفاً به مسائل اقتصادی میپردازد و لاغیر . طبیعی است که مسائل سیاسی را که اتحادیه های کارگری میتوانند و باید به آنها توجه نمایند از مسائل مربوط به حقوق و مکرانیک ناشی میگردد که پرداختن به آنها در حد و وظائف اتحادیه ها می گنجد .

و اما مزورانه بودن ادعای کارگران نام بردیم بدین خاطر است که کوشش می - کردد کارگران بدین وسیله از فعل و انفعالات سیاسی بدورنگهداشته شده و عملاً سرگرم مسائل مربوط به زندگی اقتصادی خود و محیط کارخانه . . . باشند . این چنین نظریه ای میخواند که کارگران را از رشد سیاسی بازداشته و آنها را در بند مسائل کوچک و بی اهمیت به زنجیر بکشد .

بهر حال . اکنون که برخی از جوانب مسئله مربوط به اتحادیه کارگری را توضیح مختصر دادیم و ضرورت دارد که به چگونگی تشکیل این اتحادیه ها اشاره کوتاهی بکنیم . تشکیل این اتحادیه ها از مجرای تشکیل انجمن کارخانه ها میگردد و بسیار ساده است . چند تن از کارگران پیشرو که مورد اعتماد کارگران دیگر میباشند روزی وساعتی را در محل مناسبی ( مثلاً غذاخوری کارخانه ) در نظر گرفته و بقیه کارگران اطلاع میدهند که برای تشکیل انجمن کارخانه در آنجا جمع گردند . در این گرد هم آیی مشکلات مورد بررسی قرار گرفته و خواسته ها مطرح شد و آنکا به انتخاب هیأتی که گردانندگان انجمن خواهند بود . پیرداخته میشوند روشن است که میبایستی آئین نامه ساده و مختصری را نیز مطرح کرد و به نظر عموم کارگران رسانید . این ساده ترین شکل ممکنه تشکیل یک انجمن در سطح یک کارخانه است منتها همانطور که گفته شد

میبایستی اتحادیه ها در برگیرند کارگران یک صنف یا چند صنف کارخانه . بنا بر - این میبایستی تشکیل انجمن های کار - خانه ها را با هدف متحد شدن این انجمن ها و تشکیل اتحادیه های آنها پیش برد . اینک ضرورت دارد که به یک مسئله دیگر نیز اشاره کنیم . مسئله ای که در آغاز آن نام بردیم و آن این بود که طبقه کارگر غیر از اتحادیه سازمان دیگری نیز نیاز دارد . گفتیم که اتحادیه عمدتاً به مسائل اقتصادی کارگران و مسائل مربوط به حقوق و مکرانیک آنان می پردازد . طبقه کارگر را ماغیر از مسائل اقتصادی و مکرانیک در رعین حال مسئله پراهیمت تاریخی دیگری را نیز دارد و آن پایان دادن به نظام سرمایه داری است . فرض بگیریم یک اتحادیه خیلی هم خوب مبارزه کند ، حتی خواهسته های اقتصادی خود را در اثر مبارزه متحده متشکل کارگران به کرسی بنشاند و سرمایه داران را به عقب نشینی وادار سازد . بسیار خوب . این مسئله اگرچه خود بهبودی در زندگی کارگران است و قدمی جلومیباشد منتها در اساسی مناسبات استثمار فساد از فرد هیچگونه تغییری نمیدهد . طبقه کارگر باز فقط همان دو بازوی خود را دارد و سرمایه داران با زورتولید را در دست خود دارند . استثمار کارگران کافی است باقی است و تنها کارگران توانستند نیروی کار خود را کمی گرانتر به سرمایه دار بفروشند و مثلاً مزد بیشتری دریافت کنند و یا از حق بیمه بهتری برخوردار باشند . طبقه کارگر با ارسال دیگری دارد و آن پایان بخشیدن به حاکمیت سرمایه بر کار است ، استقرار سوسیالیسم است . همان - گونه که قبلاً اشاره کردیم هر کاری به بزار خود نیاز دارد . اگر مبارزه اتحادیه های محتاج اتحادیه است و مبارزه بخاطر از بین بردن کامل سرمایه داری ، احتیاج به ابزار دیگری دارد که حزب طبقه کارگر است . طبقه کارگر زمانی میتواند بطور نهایی در مبارزه اش پیروز گردد که حزب خود را داشته باشد . حزب طبقه کارگر

تقتضیات ارتش کارگران در جنگ علیه ارتش سرمایه داری را بازی می کند و واضح است که گزارش کارگران خواست پیروزی را داشته باشد ، قبل از هر چیزی میبایستی ستاد فرماد می خوبی را دارا باشد . متأسفانه در کشور ما سالهای مشافعی است که کارگران ایران حزب واقعی خود را ندارند سالهای زیادی است که کوشش برای ایجاد حزب طبقه کارگر به ثمر نرسیده است ، این امر مهم را میبایستی انجام داد و همه کمیونستهای واقعی و کارگران پیش - قدم به ضرورت انجام این وظیفه اذعان دارند . وظیفه کارگران پیشرو است که در رعین پیش بردن کار ساختن اتحادیه ها ، در بین کارگران ضرورت دانستن حزب مستقل سیاسی خود را تبلیغ کنند و آنها را با همیت این امر آگاه سازند .

خلاصه کنیم : اتحادیه ها برای انجام مبارزه اتحادیه های کارگران یک صنف ضرورت دارند . میبایستی اتحادیه ها با هم متحد شده و اتحادیه مرکزی کارگران را تشکیل دهند . اتحادیه های کارگری نمیبایستی صرفاً به مسائل اقتصادی توجه کنند ، بلکه در رعین حال میبایستی برای حقوق و مکرانیک نیز مبارزه کنند . کارگران فقط به اتحادیه احتیاج ندارند بلکه برای انجام رسالت تاریخی خود به حزب طبقه کارگر نیاز است لذا در رعین فعالیت برای ایجاد سند یکا و پیشبرد فعالیت سند یکائی میبایستی فعالیت را در آن سطح محدود نمود .

درباره . . .

یعنی تلویزیون اسلامی تعداد فراوانی - صرشناخته شده و با بسته به رژیم پهلوی را بعنوان نمایندگان واقعی خلق کرد جازد و جناب قتل زاده ما آنان در یک گفتگوی در ستانفصاحیه بعمل آورد لازم به اشاره است که در سرگوب خلق کرد عناصری مرتجع چون مفتی زاده شیرکعبه روغن و سایر با خود را نمایندگان خلق می خوانند دست دارند .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



گزارشی ... کارگران نقیوبت کرد. از همه بیشتر پیام کارخانه "جین مد" آمل تاثیر گذار است که نمایندگان ضمن اعلام هبستگی گفت: "کارخانها شورای کارگران اداره می کنند و تولید و توزیع را خود مان در دست گرفتند. هم اکنون جنس های تولید شده به وسیله کارگران رابتهران آورد نام کبفروش و بدست پربه شهر خود بازگردم". این سخنان رفیق آمل موج احساسات را بین کارگران دامن زد. کارگران روی جریان کشتار ۱۸ فروردین در اصفهان خیلی حساس بودند. بعضی ها می گفتند: "آدم بیاد کاروانسرا سنگی میفتد". در اردو سته حزب توده سعی میکرد که مرتب در جریان تحصن اخلال کند و آخر الامر که موفق نشدند تعدادی را که قتل لیل بودند با خود به بیرون بردند.

گزارش کوتاه بالا از جریان تحصن کارگران بازگوکنند. چند مسئله است: ۱- کارگران که کم و عمر روزمان عدم برآورد شدن خواسته های شان را در خصلت طبقاتی مسئولین امور جستجوی کنند. نشئه پیروزیهای کسب شده در مبارزه علیه رژیم شاه بتدریج جای خود را به عدم امید و اطمینان از دولت موقت میدهد. هرچقدر دولت بازگان آنان را به صبورت تحمل دعوت کند، بهمان اندازه کارگران در طرح خواسته های محقق نشان صریح تر و آشتی ناپذیرتر خواهند شد. "حرف بس است عمل کنید" و دولت نمیخواهد و نه میتواند عمل کند.

۲- تحصن های پراکنده در شهرهای مختلف می بایست پراکنده گی خود را پایان دهند. هم اکنون باید کوشش بعمل آید که مبارزه مجزای کارگران که در اعل هدف واحدی را تعقیب می کنند، بصورت یک پارچه و متحد انجام پذیرد. شورای موسس کارگران بیکار و سرگردانی باید فدی در جهت برآورد کردن این احتیاج بیبرم باشد. از طریق سازماندهی واحدی هم به قدرت مبارزه افزود میشود و هم کارگران خود را همسته ترمی بینند.

۳- لزوم بردن آگاهی سیاسی بیوسیا -

اعدام ... می کنند، تمضمیرها را برای حمله به صفوف خلق بخصوص زحمت کشان آماده گردانند. پافشاری و بجای انقلابی نیروهای انقلابی و مترقی بر ضرورت اعدام عمال امیربالیسم و جنا پنگاران، معاومت و سرخستی ساز- شکاران را در هم شکست و آنها را مجبور ساخت که از شیون و فغان غفوعومی حتی اگر بصورت موقتی هم فتنه باشد، دست بردارند. اعدام خائنین مجدداً از سر گرفته شد. این عمل می بایستی مورد پشتیبانی کلیه نیروهای خلقی قرار گیرد.

ما در عین اینکه بر ضرورت این اعدامها تاکید میکنیم، خواستار بیگیری و ادامه در این اقدام و جزای تمامی عمال امیربالیسم و جنا پنگاران هستیم. سرسپردگان امیربالیسم بر اثر سلطه ستادی استعمارگران جهانی بر میهن ما متجاوز از چند هزار خواهد بود. این جنا پنگاران در تمامی زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی میهن ما رخنه نمودن و سالیان دراز با استثمار و سرکوب خلق مشغول بودند. تمامی آنها می باید سزای خیانتها و جنا بیهای خود را ببینند. تأکید ما بر ضرورت اعدام یکسری از خائنین کف تاکنون انجام پذیرفته است نمی تواند مانع این گردد که خواستار اعدام و محبوس نمودن تمامی عمال امیربالیسم و خائنین نهائیم. لیکن متأسفانه شاهد آن هستیم که بسیاری از

لیستی و تبلیغ آید" تخاصم با سرمایه داری بیش از پیش احساس میکرد. جریانهای کمونیستی می باید خود را با این جنبش عظیم پیوند دهند و در جریان جوش خورگ با کارگران غسل تعمید انقلابی پیدا کنند. در واقع کاراگا هکرایانه بین کارگران تنها ضامن دورنمای آیندماست. حزب کمونیست واقعی ایران می بایست حزبی باشد که از دل وحدت جنبش کمونیستی و پیوند با کارگران بیرون آید. ما بلا در یگر تکرار می کنیم: "کمونیستهای ایران متحد شویم". کمونیستهای ایران با طبقه خود جوش بخوریم.

از شیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

عمال آشکارا امیربالیسم نه تنها دستگیر و مجازات نمی شوند بلکه یاد رستمهای خود ایفا شده و ریاضتی ترفیع مقام نیز یافتند. سرلشکر قره نی، سرهنگ توگی، سرهنگ بدر، سرگرد مهدوی در ارتش نمایان نموند. هائی هستند. تعداد چنین عناصری خود فروخته و جنا پنگار در دستگاههای انتظامی بالغ بر صد ها خواهد بود. اینان را نیز بایستی مجازات کرد و بسزای اعمال خائنانه شان رسانید. در زمینه های دیگر نیز کماکان بدینصورت است. در رسانک مرکزی فلان خائن مسئولیت بر عهد می- گیرد، در وزارت کشور فلان خیانتکار رسد- اموری می شود، در امور تولیدی همان سر- سپردگان و همکاران امیربالیسم بمکیدن شیرجهان کارگران زحمتکش میهن ما و حتی قتل آنها (در شهر عنستی البرز) همچنان ادامه میدهند. اینان را نیز بایستی دستگیر کرد و مجازات نمود.

در یک کلام هیچ یک از اعمال و همکاران امیربالیسم و هیچیک از جنا پنگاران و هیچ یک از مهره های دولت های خیانتکار پیشین را، چه آنها که سرشان با آخور جناح حاکم بستند و چه آنها که تکیه میخوردند بر این هیئت حاکمه تعلق داشتند، نباید تکیه می نمودند. بی جزاگداشت، بی توجیبی در این مورد و بر دستگیر بر چهره برخی و جناحی از خائنین پوشانیدن، برای آنها طلب عفو کردن و یا آنها را در مقامهای خود ایفا نمودن معنای جز تزلزل در قبال امپریا- لیسم داشتن و درین همکاری با آن بودن نخواهد داشت.

"تصدیق انقلاب از طرف بورژوازی اعم از اینکه فلان یا بیطان ایدئولوگ بورژوازی شخصاً هم با وجدان باشد نمیتواند صادقانه باشد. بورژوازی نمیتواند خود غرضی، ناپیکاری، سوداگری و غیره نگه های پست ارتجاعی خود را در این عالیترین مرحله جنبش نیز وارد نکند." (لنین)

www.peykar.org

## درباره قره‌نی

قره‌نی یکی از مبره‌های شناخته شده امپریالیسم آمریکا بدست عناصرناشناسی ترورگرید. ماهیسه توسل به ترور را بعنوان راهی مبارزاتی که بتواند به حاکمیت ارتجاع پایان بخشد موافق با راهنمون پیروزی گرد نادرست دانسته ایم. ترور قره‌نی رانیز باستی از این زاویه نگریست. قره‌نی با اینکه یکی از مبره‌های امپریالیسم آمریکا بود و میبایست از جانب دولت موقت محاکمه کشیده میشد و مجازات میگردد، لیکن ترور او شریک بخش بحال انقلاب نیست. از اینجهت معتقدیم که عاملین ترور او را باستی درین جناح - بند یهای متفاوت امپریالیسم که بخاطر ضافع شان حتی عوامل خود را هم سربسته نیست میکنند و از این اقدام برای توطئه چینی علیه خلق سو استفاده مینمایند جستجو کرد.

قره‌نی کی بود؟ قره‌نی یکی از عاملین کودتای

امپریالیستی ۲۸ مرداد بود که مبارزین

میهن ما را در رشت به گلوله بست وهم -

دست باز هدی، تیمور بختیار و نصیری و

خاتئینی از این قماش حاکمیت مجدد امپری-

الیسم را برقرار ساخت و باز -

گشت محمد رضا پهلوی را قیصر نمود. این

عنصر و باستفای سال ۳۳۳ تا ۳۳۷ ارتیس

زکن دوم ستاد ارتش که در آتزمان وظائف

"ساواک" را نیز بر عهده داشت بود.

دستگیری، زندانی، شکنجه و تیرساران

افسران کونیست و آزاد یخواه در سال -

های بعد از کودتا زیر نظر و با خالت

مستقیم قره‌نی انجام گرفت. خوش خد متی

این عنصر و باستمین امپریالیسم آمریکا تا

بدان حد برای این امپریالیسم ارزشمند

بود که علاوه بر دریافت نشانه‌ها و مدارک الهای

متعددی از شاه‌خائن و در مدت چهار

سال (۳۲ تا ۳۶) از درجه سرهنگی به

سرتشگری و از معاونت تیپ رشت به

معاونت کل ستاد ارتش ارتقاء مقام می -

یابد. قره‌نی در سال ۳۳۶ اعلام اجرای

کودتای آمریکائی شد که نتیجه آن رشتی بود

تضاد جناحهای امپریالیستی بود. نقشه کودتا بر ملا می شود و درست در زمانه -  
نی که هر ایرانی آزاد به چهره مطالعه یک کتاب ضد حکومتی به اعدایا حبسهای طولانی محکوم می شد، حکومت قره‌نی سه سال زندان تعیین میشود که بدنبال تقاضای او از شاه همین بر عهده زود ترار تمام محکومیت آزاد میگردد. امپریالیسم آمریکا این مهر خود را در پستونگه میدارد تا در زمان مناسب بار دیگر بروی صحنه آید. بدنبال سرنگونی رژیم محمد رضا - شاهسی، ریاست ستاد ارتش به قره‌نی واگذار میگردد. هشدارها و اعتراضات نیروهای انقلابی و مکررات با این انتصاب ناشایست مورد توجه مسئولین دولتی قرار نمیگیرد و در حالیکه کسانی به نقاشی چهره این عامل امپریالیسم می پردازند او با استفاد از این فرصت مفتنم سرگرم توطئه و تخریب می شود. آیا فرد یا افراد مسئولی از این توطئه و تخریب اطلاع داشتند و در م فریستند؟ این سئوالسی است که پاسخ آن بر عهده مسئولین دولتی است. توطئه و تخریب قره‌نی مشخص ترین تظا هر خود را در ستمندج یافت. تحت نظار این عنصر خود فروخته در همانن از افراد گار جاویدان سابق که در وحشی گری کم نمونه هستند، از فرودگاه مهرآباد به کرمانشا اعزام میگردد و سپس با هلیکوپتر به ستمندج انتقال داده می شوند. تحت نظر مستقیم قره‌نی این افراد با به مسلسل بستن توده‌های سر در ستمندج از درون هلیکوپترها، سبب شهادت در همانن از همیپنهان کرد ما میگردد. تحت نظر مستقیم قره‌نی از مدتها قبل رقت و آمد هائی در نواحی غرب ایران انجام می یافته که نشانه‌های آما در نمودن ارتش برای قتل عام خواهد - ان و برادران کرد ما بود ما است. در اثر توطئه‌های قره‌نی و افرادی چون او، عدها تن از همیپنهان ما در کردستان شهادت رسیدند. قره‌نی زمانیکه بد جنگ داخلی در کردستان سبب سرکوب خلق گردد

اعزام جت‌ها بر فراز ستمندج مذاکرات بین آیت اله طالقانی و همراهان وی با نمایندگانی از ستمندج را به قطع بکشاند و با دستورنلیک بر روی مردم قتل عام را ادامه دهد. آری قره‌نی، این مبره قدیمی امپریالیسم آمریکا یکی از عاملین کشتار خلق می باشد.

پس از جنایت آشکار قره‌نی در کردستان دولت بازرگان مجبور به برکنار نمودن وی شد. از همان او ان انتصاب قره‌نی بریاست ستاد ارتش، نیروهای انقلابی به دولت بازرگان هشدار دادند که بر کار در چنین عواملی بر مصد رکارها عواقب وخیمی را بار خواهد آورد و انقلاب ناتمام میهن ما را در کام شکست فرو خواهد برد. اما این هشدارها کاری نشد و بدیم که هر روزه این سخنگوآن سخنگوی دولت و این نماینده دشورا آن نماینده در مداحی از قره‌نی چه سخنها که سرندادند. چه کسانی منافع در تعریف و تمجید از قره‌نی داشتند و چه دستهای برای پوشانیدن چهره‌ی کیف این قاتل خلق و عامل امپریالیسم در کار بود؟ این سئوالسی است که مسئولین حکومتی بایستی بدان پاسخ گویند و روشن سازند چرا سخنگوی دولتی که میبایست دشمن عوامل امپریالیسم باشد هنوز که هنوز است به دوستی "اش با قره‌نی می یابد.

گتیم بنظر عاملین این ترور را با بیستی در محدود و هم کاسفایهای و جستجو کرد. زیر او بعنوان عنصری چندین بار رسوا شد و دیگر برای ارتجاع مبره‌های چند ان قابل استفاد نبود. ارتجاع برای حمله لجام گسیخته مصوف انقلابیون میتواند حتی یک مبره‌ی استفاد موکا ملا رسوا شده خود را ترور نماید و با انتساب این ترور به نیروهای خلقی، افکار عمومی را مغشوش نموده و برای هجوم بقا انقلابیون زمینه سازی کند. از ترور قره‌نی هم اکنون همین استفاد از جانب برخی محافل مشکوک و مرتجع میشود. پس به طمان که در بروی کار آوردن قره‌نی مصالحی برای ارتجاع در میان بود، در ترور کارگونی از ارتجاع بدنبال مصالحی است.

دوره... . علیه این امر برانگیزند  
در حالیکه خود مختاری ب مفهوم تجزیه  
طلبی و نقض وحدت خلقهای ایران نیست  
پهترو... . کسی این مسئله را بشکافیم تا  
سطحی از آن نتواند

خود مختاری یعنی حق تعیین سرنوشت  
یعنی اینکه ملل مختلف ایران بتوانند و حق  
داشتن باشند، خود سرنوشت خویش را  
در زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی  
تعیین نمود. همه همه و وجه ستم ملی که  
در دوره محمد رضا شاه بر آنان وارد می  
گشت خانه بختند. در حالیکه دانشه  
این حق تا حد جدائی و استقرار دولت  
مستقل گسترده است، مذهب از حاکمان  
ملل تحت ستم مثلا ملت کرد به هیچ رو  
خواست جدا شدن از ایران عزیزان داشته  
و شعار "خود مختاری برای کردن ملل هر  
چهارچوب ایران در مکرانیک و آزاد" را  
 مطرح می کنند. این بدان معنی است که  
اگرچه خود را ایرانی میدانند، اگرچه خود  
را بخشی از ایران میدانند، مذهب معتقد  
ند که استقرار مکرانسی در ایران میبایستی  
بطور اجتناب ناپذیر حق خود مختاری را به  
آنان تفویض کند. یعنی چه؟ یعنی اینکه  
آنان قادر باشند در نظام مکرانسیک  
ایران هویت ملی خود را باز یابند و خود  
سرنوشت ملی خویش را اداره نمایند. آیا  
این تجزیه طلبی است؟ هر انسان شرا  
فشندی قادر به رد این مسئله که چنین  
خواستی ربطی به تجزیه طلبی ندارد می باشد  
آیا این مسئله آنگونه که سخنگوی دولت  
بازرگان بیان میدارد فقط یک خواسته  
فرهنگی است و کرد ها فقط خواهان آن  
هستند که بزبان مادری خود تکلم نمایند؟  
نه. مسئله زبان و گسترش و شکوفایی  
فرهنگ ملی بهیچ وجهی است که یکی از خواسته  
های اساسی ملل تحت ستم است و این  
 امری بایست تا حد برسمیت شناختن  
زبان ملی آنان گسترش یابد، اما خواست  
ملل تحت ستم تنها به این امر محدود نیست.  
اگرچه رهبران این نواحی میبایست به  
زبان مادریشان تدریس گردد، در ادب

رات این نواحی میبایستی زبان مادری  
استفاده گردد، فرهنگ ملی و آداب و رسوم  
آنان میبایستی محترم شمرده شود و محفوظ  
گشته و شکوفا گردند، اما این مسائل هنوز  
فقط یک وجه از خود مختاری است. خود  
مختاری یعنی حق تشکیل دولت ملی در  
چهارچوب ایران واحد و یکپارچه. یعنی  
در عین وابستگی به دولت مرکزی ایران و  
رعایت قوانین و ضوابط کشور واحد ایران،  
مردم کردستان یا آذربایجان حق تشکیل  
دولت ملی خود را دارند. چنین  
دولتی که بطور مستقیم و وسیله آراء آنان  
تعیین می شود، اگرچه موظف به تبعیت  
از دولت مرکزی است، اما خود در چهار  
چوب منطقی خویش دارای حقوق و  
اختیارات معین و عبارت دیگر دارای  
استقلال معین است. چنین دولتی  
میتواند بمثابه ارگان مستقیم و منتخب یک  
ملت تحت ستم به همه جوانب ستم ملی  
گذرند. برای اینکه جای هرگونه سو  
تفاهم را از میان برداریم روی مسئله  
تبعیت از دولت مرکزی تکیه میکنیم تا این  
اشتباه که گویا خود مختاری تجزیه قدرت  
مرکزی میباشد، رفع گردد. همین قضیه  
در مورد مسئله زبان است. یعنی اگرچه  
زبان رسمی کشور فقط یک زبان است اما  
در چهارچوب مثلا کردستان یا آذربایجان  
یجان زبان اصلی کردی یا آذربایجانی  
خواهد بود. یعنی یک کرد در دانشگاه  
و مدارس خود نیز به زبان کردی درس خواند  
هد خواند، در عین اینکه زبان فارسی  
را نیز می آموزد.  
اکنون برگردیم به اصل شعار "خود مختاری  
ملی در چهارچوب ایران در مکرانیک" و به  
یک امر بسیار مهم توجه کنیم و آن اینست که  
فقط در یک ایران در مکرانیک ورها از هر  
گونه وابستگی به امپریالیسم حق خود مختار  
ری ملی تحقق می یابد. در اوضاع و احوال  
کنونی که مبارزه خلقهای ایران از جمله  
زحمتکشان کرد و بلوچ و لسروآذربایجان  
و... . به پیروزیهای رسید ما ست و به

در یکاتوری چندین دهها کیت در سار  
پهلوی پایان داده شد ما ست، می باید  
ایرانی در مکرانیک بنا شود. بسط و گسترش  
در مکرانسی اجتماعی یعنی از زمین بردن همه  
نهاد های مرئی و نامرئی در یکاتوری خون  
آشام پهلوی و جایگزینی نهاد های مکران  
تیک بجای آنان. یعنی اگر در دوره محمد  
رضا شاه مآخذ ستم ملی به ملل تحت ستم  
وارد میشد، در دوره پس از سرنوشتی وی به  
همه و جو ما بین ستم ناشی از وابستگی به  
امپریالیسم خانهداد شود. بهوض اینکه  
همانند محمد رضا شاه که چند سال پیش در  
جریان سرکوب جنبش انقلابی کردستان  
هفتاد هزار زندان و ارتش بی آنجا گسیل  
کرد و حمام خون برآمد اخت و دولت  
موقت باید یار و یاور ملت کرد باشد. در حالی  
که اینطور نیست. بهوض اینکه برادران  
کرد ما اولین و اساسی ترین خواسته های  
خود را مطرح کردند "ارتش ملی اسلامی"  
به همراه پاسداران "آنان را به گلوله بست  
و تعدادی گزیده های ساواکی که در سرخی  
کمیته های امام ندرت کردند، تحت  
عنوان " مبارزه با خطر تجزیه طلبی جوانان  
سلحشور کرد را بقتل رسانند. چرا  
این گناه است؟ چون هنوز کشور ما از قید  
امپریالیسم رهانند ما ست و هنوز پس  
مانده های ارتجاع داخلی که سرشان به  
طویل و آخور امپریالیسم وصل است از تحقق  
در مکرانسی در ایران جلوگیری میکنند. چنین  
 امری الزاماً به سرکوب مردم کردستان  
گنبد و یا هر جای دیگری می انجامد. بنا  
بر این ضامن اصلی جهت احقاق حقوق  
کرد ها و تقیقه ملل تحت ستم، قطع کامل  
نفوذ امپریالیسم در ایران و بریدن دست  
ایادی آنها از ارگان های قدرت و تحقق  
در مکرانسی اجتماعی است. در غیر این صورت  
همانند دوره محمد رضا شاه فقیدان در مکران  
سی که خود معلول وابستگی به امپریالیسم  
است، هم روزگار فارس ها را سیمانخواهد  
نمود و هم ستم ملی به کرد ها و آذربایجانی  
عالمی بر ملل ساکن ایران را پرحالتگاه  
خواهد داشت. بقدر محده؛

## درباره خود مختاری

مسائلی که در چند هفته اخیر در کردستان و کبکدرخ داد و طی آن دسته‌های یاسدا - ران "انقلاب" تحت عنوان مبارزها تجزیه - طلبی "مانند گرازه‌ای وحشی بجان مردم دلاور این مناطق افتادند، باند - زه لازم و کافی ماهیت تبلیغات ارتجاعی عناصر مخرب و متکوک نمود کرد در این مراکز ابرملا ساخت. مقاومت مردم و مواضع مترقی آنان در ارتباط با مسائل انقلاب ایران نشان داد که علی‌الاصول بهیچ وجه قصد تضعیف صف متحد و یکپارچه خلقهای ایران وجود ندارد و درست برعکس این دسته‌های ملیس به کمیته

امام "و یاسداران" هستند که میخواهند از طریق قتل عام و کشتار وحشیانه مردم این مناطق، آنان را کبح خواسته های خود را مطرح نمود مانند سرکوب کنند. یکی از مسائل مهم مطروحه در این نواحی مسئله خود مختاری است. طرح این مسئله از وجود یک واقعیت انکارناپذیر در میهن ما سرچشمه میگردد. واقعیت مزبور آنست که ایران کشوری کثیر الملته است و ملل مختلفی در آن زندگی می کنند. در عصر محمد رضا شاه خائن به ملت های کرد، آذربایجانی، لور، بلوچ و... ستم ملی وارد میگشت. این بدان معنی بود که گدشتان با رجنایات و خیانت های دارودسته پهلوی که بهمه آحاد کشور وارد میشد، این ملل دچار ستم مضاعف دیگری نیز بودند و آن ستم ملی است. ستم ملی مزبور که جوانب مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی داشت، هدفش آن بود که هر چه بیشتر ملت های مزبور از هویت ملی خود تهی سازد. مردم این مناطق حق نداشتند که از زبان مادی خود استفاده خواندن و نوشتن بنمایند. در استفاده های دواورد و لتی همواره دیرتوجه نظر قرار میگرفتند. نمایندگان دولت کسانی بودند که از مناطق دیگر به آنجا ستاده شدند و در اصطلاح

گزارشی از تحصن

## کارگران بیکار

تحصن کارگران بیکار و اخراجی تا سینه ساختمان بی پایان رسید و کارگران مبارز با تدوین خواسته های خود و اعلام آن به مراجع دولتی، تحصن رزمجویانه مزبور را تا اعلام پاسخ مسئولین قطع کرد و خود را برای ادامه مبارزه حق طلبانه شان آماده میسازند. قرار است شورای موسس تازماری از نمایندگان آنان انتخاب گردد. در جریان تحصن چند روزه کارگران در کاخ دادگستری آنچه کمبیش از همه در گفتگوها و بحث هائی کمبیش آنان انجام میگرفت، همه یکدل و یکزبان تاکید میکردند که "عهد هو وعید نان نمیشود". شکم گرسنه فرزندان، اجاره عقب افتاده مسکن، قرض و مسکن ناشی از بیکاری و هزارویک درد دیگر، همه و همه آنگنان روحیه مصمناهای در کارگران بوجود آورده بود که حدی نداشت. رفقای کارگرمیگفتند: "حق ندارند با ضد انقلاب و خرابکار رویند. ما شاه را بپائین آوریم. حالا ضد انقلاب شما هم؟ وقتی که کارگران تلویزیون بار اول بسرانگشت آمدند و خواستند از محل تحصن فلیپر در آید، صدای کارگران بلند شد: "باید با خود ما مصاحبه کنید تا حرفهایمان را مشخص بزنیم". ویرس حرف خود ایستادگی کردند و تلویزیون را که از بخش واقعیت ویژه منطقه گوش شنوائی نداشتند، در جریان پروژه های با اصطلاح "آباد انسی"، مناطق مزبور کشتار همه مورد توجه قرار میگرفتند و بالاخره انعکاس حاکمیت امپریالیسم در این نواحی بیش از هر جای کشور خود را در زندگی اقتصادی سیاسی فرهنگی مردم متبلور میساخت. پس از پایان بخشیدن به سلطه منحوس محمد رضا شاه، مردم مبارز این ولایات که خود سهم موثری در براندازی رژیم پهلوی داشتند، توقع آنرا داشتند که همه

## اعدامهای انقلابی

در چند روز اخیر تعدادی از اعمال امپریالیسم و وابستگان و کردانندگان رژیم محمد رضا شاهی بسیاری اعمال خیانتکارانه و جنایتکارانه خود رسیده و چوبه اعدام سپرد شدند. حکومت به مرکز یگانہ پاسخ درستی بود که میبایست بنا بر این خائنین داد می شد. پس از اعدام چند تنی خائنین در اسفند ماه، سر و صداهای با اصطلاح آزاد بخوابی سازشکاری که ندای عمومی را ساز کرد بودند، بمنظور رهایی خائنین به خلق از کفر بلند شد. از این سازشکاران جز این نیز نمی بایست انتظاری داشت. آنان در حالیکه برای خائنین بخلق، برای جلادان، برای اعمال امپریالیسم و برای جنایتکاران طلب عفو و "تذات" خواهی بقیه صفحه ۵

مربوط به آنان تا کون جده خود داری می کرد، مجبور نبودند که با آنان مصاحبه کرده و مسائلشان را پخش کند. قرار بود این برنامہ چهارشنبه در عا صر گردانند "سیگ" جمهوری اسلامی ایران" نگردد که این گونه شد و ما نسورچی معروف تلویزیون مجدداً زهر خود را ریخت. یکی از زنهای کارگرمی سخنان خود گفتند: "بازرگانها پول را برداشتند و فرار کردند" کاین جمله ما نسور شد. بعد از پخش برنامہ فریاد اعتراض کارگران برخاست.

در جریان تحصن پیامهایی که خوانده شد روحیه همبستگی را بین بقیه صفحه ۵ مظاهر این سلطه سوم و از جمله ستم ملی پایان داده شده و آنان بتوانند آزادانه به آبادی و ساختمان مناطق زندگی خود بپردازند. در چه شرائطی این ملل تحت ستم قادر به انجام این خواسته محقق نه خواهند بود؟ در شرائطی که آنان از حق خود مختاری ملی برخوردار نباشند. جارجیان و عوامل بازمانده ارتجاع کوش می کنند که خود مختاری ملی را شتراف بسا تجزیه طلبی و نقض وحدت خلقهای ایران حله داد و مورد را بقیه صفحه ۷